

گروه های سلفی خاور میانه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

گروه های سلفی خاور میانه – داعش

نویسنده : میثم رشیدی

بهار ۱۳۹۳

[www.senaps.blog.ir](http://www.senaps.blog.ir)

<http://www.military.ir/forums>

## فهرست مطالب

5	مقدمه
7	نام گروه و تغییرات آن
8	اراضی مورد ادعا
9	ایدئولوژی
10	پیش زمینه
12	تاریخچه
13	به عنوان جماعت التوحید و جهاد
16	به عنوان تنظیم قائدات الجهاد فی البلاد الرافضین
17	به عنوان دولت اسلامی در عراق
22	به عنوان دولت اسلامی عراق و شام(داعش)
24	وقایع اتفاقیه
25	اتفاقات ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶
26	اتفاقات 2007
29	اتفاقات ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲
30	اتفاقات سال ۲۰۱۳
31	اتفاقات سال ۲۰۱۴
33	روابط با سایر گروه ها
34	روابط با جبهه النصره
36	روابط با ارتش آزاد سوریه
38	روابط با کرد ها
39	اقتصاد
40	تجهیزات

مقدمه

دولت اسلامی عراق و شام یا دولت اسلامی عراق و سوریه، که به صورت مخفف داعش خوانده میشود، یک گروه شبه نظامی فعال در عراق و سوریه است. در دولت خودخوانده‌ی آنها مرزهایشان به عنوان یک کشور جدا، از عراق، سوریه و قسمت هایی از لبنان است. این گروه در اولین سالهای جنگ عراق و در سال ۲۰۰۴ و به عنوان هم‌پیمان القائده تشکیل شد. گروه با پشتیبانی گروه های مختلف مجاهدین عراقی، شامل سازمان سابق خودش، مجلس شورای مجاهدین عراق، القائده‌ی عراق، جیش الفاتحین، جند الصحابه، کاتبین انصار التوحید و سنت، جیش الطائفه منصوره و... سایر گروه های با اعضای مسلمان اهل سنت تشکیل شد. هدف این گروه، راه اندازی سیستم حکومتی خلیفه‌ای در مناطق با اکثریت سنی عراق بود، که بعدها سوریه را نیز شامل آن کرد. از نظر نظامی، این موفق ترین حرکت جهادی تاریخ بوده است. در فوریه‌ی سال ۲۰۱۴ (بهمن ۱۳۹۲) القائده تمام ارتباطاتش با داعش را قطع کرد.

در زمان اوج درگیری های عراق، حضور قاطعی در استان های الانبار، نینوا، کرکوک و بسیاری قسمت های صلاح‌الدین و قسمت هایی از بابل و دیالا و بغداد داشت، بغوبه را به عنوان پایتخت خود اعلام کرد. در در طول جنگ داخلی سوریه، گروه حضور پررنگی در ایالت های رقه، ادلب و حلب سوریه دارد.

علاوه بر حملات علیه اهداف نظامی، گروه مسئولیت حملاتی که هزاران شهروند عادی عراق را به قتل رسانده را نیز به عهده گرفته است. برخلاف عقب نشینی های قابل توجهی که در درگیری های اخیر گروه با نیروهای ائتلاف داشته است، به نظر میرسد که در پایان سال ۲۰۱۲ گروه به جذب نیروپرداخته و تعداد نفراتش را به بیش از دوبرابر (حدود ۲۵۰۰) رسانیده است.

یک نامه و بعدها فایل صوتی که از سوی ایمن الظواهری ضبط شده بود، در ۲۰۱۳ به دست الجزیره افتاد که واحد های فعال در سوریه‌ی دولت اسلامی را منحل کرده بود. با این حال، رهبر گروه، ابوبکر البغدادی اعلام کرد که این کار بر خلاف فقه اسلامی است و از آن به بعد گروه به فعالیت در سوریه ادامه داده است. آغاز این عملیات ها در آوریل ۲۰۱۳ بود که گروه، موفقیت های نظامی متعددی را به دست آورد که منجر به این شد که قسمت های بزرگی از شمال سوریه را کنترل کند. جایی که دیدبان حقوق بشر در سوریه آنها را به عنوان قوی‌ترین گروه معرفی کرد.

دولت های غربی حامی مخالفان سوریه، ترکیه را به خاطر حمایت از القائده و شعبات آن و گروه هایی همانند داعش و تسلیح آنها گله کرده اند که انکارا، تا امروز این حمایت ها را رد کرده است.

## نام گروه و تغییرات آن

گروه از زمان تشکیلش در سال ۲۰۰۴ که با نام جماعت آل توحید و جهاد تشکیل شد تا به امروز از اسامی مختلفی استفاده کرده است. در اکتبر ۲۰۰۴، رهبر گروه، ابو موصب الزرقاوی برای بن لادن سوگند وفاداری یاد کرد، بعد نام گروه را به تنظیم قادات الجهاد فی البلاد الرافضین، سازمان جهاد در بین کشور دو رودخانه، یا القائده عراق تغییر داد. در سال ۲۰۰۶ گروه با چند گروه جهادی عراقی کوچکتر ادغام شد و به زیر چتر حمایتی مجلس شورای مجاهدین رفت. در ۱۲ اکتبر ۲۰۰۶، مجلس شورای مجاهدین با چهار گروه شبه نظامی و نمایندگان برخی از طایفه های عراقی در گروهی به نام خلاف المتیبین عضو شد که روز بعد به عنوان دولت اسلامی عراق معرفی شد. در آوریل ۲۰۱۳، پس از ورود گروه به سوریه، نام را به دولت اسلامی عراق و شام تغییر داد. اگرچه سازمان هیچوقت از اسم القائده ی عراق برای خود استفاده نکرده است، اما این اسم توسط بسیاری از نیروهای خارجی اش مورد استفاده قرار گرفته است.

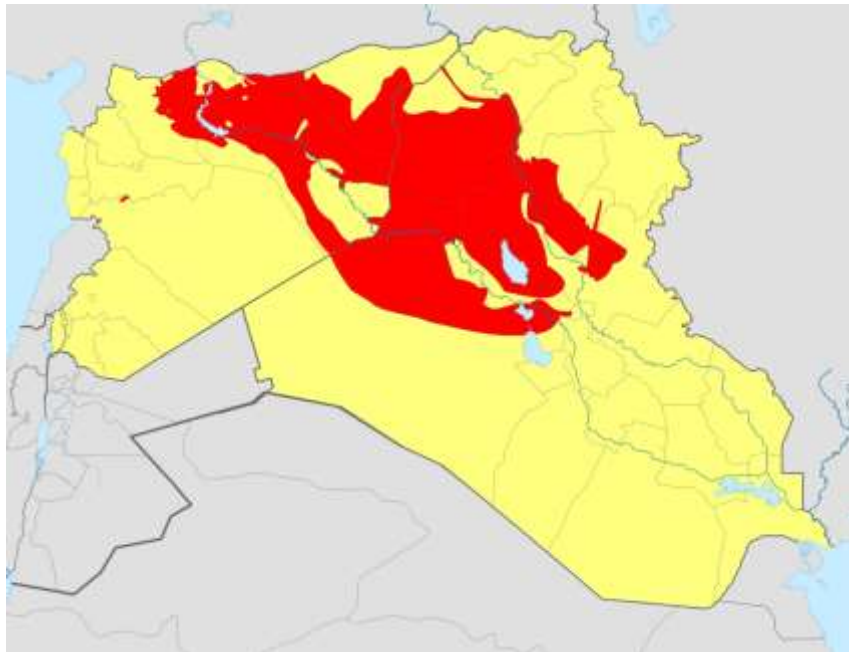


تصویر ۱ پرچم گروه تروریستی داعش

## اراضی مورد ادعا

در اکتبر سال ۲۰۰۶، گروه برقراری دولت اسلامی عراق را اعلام کرد، که فرماندهی خود بر بغداد، الانبار، دالیا، کرکوک، صلاح‌الدین، نینوا و قسمت‌هایی از بابل را اعلام کرد. پس از کشورگشایی‌های ۲۰۱۳ به داخل سوریه، و اعلام دولت اسلامی عراق و شام، تعداد استان‌های مورد ادعای گروه به ۱۶ عدد رسید. علاوه بر ۷ استان مورد ادعا در عراق، قسمت‌های سوریه، که بیشتر میان تقسیم‌بندی‌های کنون استانی هستند، البراکه، الخیر، الرقه، البادیه، حلب، ادلب، حما، دمشق و ساحل را شامل می‌شود.

در سوریه، داعش بر مسند قدرت در فرمانداری رقه قرار دارد. گفته می‌شود که فرماندهان اصلی شامل ابوبکر البغدادی از پایتخت این استان، رقه دیدن کرده‌اند.



تصویر 2 اراضی تحت اشغال داعش



ایڈیٹو لوژی

گروه همانند القائده‌ی اسامه بن‌لادن و بعدا ایمن الظواهری، طالبان و دیگر گروه‌ها، بخشی از سیستمی است که به “جنبش جهانی جهاد” معروف است. این جنبش بر اساس مدیریت متمرکز نیست، بلکه صرفاً ایدئولوژی آن یکسان است. ایدئولوژی که هدف آن، به راه اندازی سیستم حکومتی خلیفه‌ای است که اولین بار پس از وفات پیامبر و حکومت ابوبکر آغاز، و آخرین بار در امپراطوری عثمانی دیده شد و سپس، گسترش این سیستم به تمام دنیا است.

این ایدئولوژی، پاسخی برای سوالهایی است که در خصوص دلایل شکست و عقب ماندن اسلام و کشورهای عربی در مقابل موفقیت غرب است که در قرن ۱۹ ام مطرح شده است. سیستم جهانی جهاد، پاسخش به این سوال، جدا شدن از راه اصلی اسلام با اعمال نکردن قوانین اسلامی در حکومت‌ها است. سیستمی که ۵ قرن اول اسلام را دوران طلائی مینامد. و البته یکی دیگر از دلایل این مسئله، دخالت کشورهای غربی در امور کشورهای اسلامی است.

## پیش زمینه

قبل از اعلام تشکیل دولت اسلامی در عراق و شام، تنها گروه همفکر با القائده در سوریه، جبهه النصره بود. جبهه النصره توسط دولت اسلامی در عراق پشتیبانی مالی و همچنین آموزش و نیرو میشد و در ژانویه ۲۰۱۲ تشکیل شده بود.

یکی از دلایل اصلی پیروزی های جبهه النصره در سوریه، اعلام جهاد آنها در حمایت از سنی های سوریه بود. همین مسئله باعث شد که مردم محلی، اصلی ترین عضو جبهه النصره باشند. برای مثال، راه اندازی یک ناوایی در حلب یا خبرگزاری جهادی به اسم حمام نیوز معمولاً اخبار و ویدیوهای زیادی از کمک های به مستضعفین یا اجرای خدمات عمومی همانند جمع آوری زباله ها در شهر بینیش در ادلب را نشان میدهد.

در خصوص گستردگی، با اینکه جبهه النصره در سراسر سوریه از درعا در جنوب غربی گرفته تا حسک در شمال شرقی عملیات میکند، اما اسناد و مدارک مختلف نشان میدهند که این گروه در حلب و دیرالزور سازماندهی و موقعیت بهتری دارد. در مارس ۲۰۱۳، جبهه النصره همراه با گروه سلفی حرکه احرار الشام نقشی کلیدی در تصرف مرکز استان رقه در شمال داشت.

با تمام این تحولات، اتفاق عجیبی در آوریل ۲۰۱۳ افتاد. فرمانده دولت اسلامی در عراق، البغدادی در بیانیه‌ای که در سایت رسمی دولت اسلامی در عراق؛ الفرقان نشر داده شد، در تاریخ ۸ آوریل اعلام کرد که دو گروه جبهه النصره و دولت اسلامی در عراق با هم ادغام می‌شوند. بغدادی جولانی را به عنوان “یکی از سرباز های ما” معرفی کرد و گفت که جولانی سازمانش را “از فرزندان ما” تشکیل داده است. بغدادی در ادامه گفت با اینکه تا کنون

هیچ مطلبی در خصوص ارتباطات دولت اسلامی در عراق و جبهه النصره نبوده است، اما اکنون وقت آن رسیده که اعلام کنیم که جبهه النصره، تنها یک "شعبه" و در حقیقت "بخشی" از دولت اسلامی در عراق است. در ادامه، بغدادی گروه دولت اسلامی در عراق و گروه جبهه النصره را منحل و گروه دولت اسلامی در عراق و شام را معرفی نمود.

این صحبت های بغدادی، شبهات طولانی مدت سرویس های اطلاعاتی غربی در خصوص اینکه جبهه النصره بازوی سوری دولت اسلامی در عراق است را برطرف کرد. همچنین در خبرگزاری المناره البیدا (مناره سپید) رسانه رسمی جبهه النصره، در ۱۰ آوریل، جولانی در واکنشی به اعلام کرد که او یا هرکس دیگه‌ای در جبهه‌ی النصره از این اعلام ادغام دو گروه توسط بغدادی خبر نداشته است، با اینحال، قبول کرد که آغاز کار جبهه النصره توسط دولت اسلامی در عراق بوده است. او گفت: "ما در عراق به جهاد کمک میکردیم تا زمانی که بعد از انقلاب در سوریه، برگشتیم".

جولانی گفت: "ما در عراق یاد گرفتیم که کلید قلب های معتقدان در سرزمین شام، پرچم های النصره است... من نمیخواستم که قبل از دیدن پرچم های اسلام در احتزاز بر بالای سرزمین و دو رودخانه به سوریه برگردم، اما سرعت تحولات در شام انقدر زیاد بود که با چیزی که ما میخواستیم در تداخل بود." جولانی همچنین در خصوص "برادرانش در حال جهاد در عراق" اشاره کرد و رهبر آنها را با احترام "شیخ بغدادی، انشاءالله خدا او را حفظ کند" خواند. او اعلام کرد که النصره همفکر با القائده‌ی ظواهری و با پرچم جبهه النصره باقی خواهد ماند.

سردرگمی ایجاد شده بر سر ادغام دو گروه تا ژون ۲۰۱۳ باقی ماند. در طول این زمان، رسانه های رسمی دو گروه سکوت کرده بودند و رسانه هایی که در خصوص آنها اخباری را پخش میکردند چندان قابل اعتماد نبودند تا اینکه ظواهری در یوتوب، در ویدیویی اعلام کرد که با ادغام دو گروه موافق نیست و آنها باید از هم جدا شوند و همچنین بر لزوم همکاری دو گروه، تاکید کرد. با این حال، بغدادی فرماندهی جدا را نپذیرفت و اعلام کرد که نامه‌ی ظواهری دارای اشکالات مختلفی بوده است.

در بیانیه‌ای دیگر که توسط الفرقان منتشر شد، شیخ ابو محمد العدنانی الشامی، یک سوری جهادی که به نظر میرسد اهل ادلب باشد، و به عنوان سخنگوی رسمی داعش معرفی شده بود، شرایط داعش را که دستوری تر از قبل بودند را اعلام کرد:

یک جبهه، یک فرمانده و اینکه هیچ مرزی بین دو جبهه‌ی عراق و سوریه وجود نداشته باشد، هدف قرار دادن رافضیون (شیعه ها) با بمب از دیالی تا بیروت (شرقی ترین نقطه عراق تا غربی ترین نقطه لبنان) از جمله‌ی این دستورات و شرایط عملیاتی توسط داعش بودند.

تاریخچه

## به عنوان جماعت التوحید و جهاد

### مبدا

جماعت توحید و جهاد یا جهاد و توحید، توحید و الجهاد گاهی حتی التوحید یا توحید در سال حدود سال ۲۰۰۰ توسط ابو مصوب الزرقاوی و گروهی از خارجی ها و اسلامیت های محلی تشکیل شد. زرقاوی یک سلفی اردنی بود که در جنگ افغان ها با شوروی سابق شرکت کرده بود ولی وقتی او بدانجا رسید، جنگ تمام شده بود و او به زودی به کشورش بازگشت. سپس مجدداً به افغانستان رفت تا یک کمپ آموزش شبه نظامیان اسلام گرا در هرات را راه اندازی کند.

زرقاوی شبکه‌ی خود را با هدف براندازی پادشاهی اردن شروع کرد که از نظر او، بر اساس نظر چهار حوزه‌ی علمیه، حکومتی غیر اسلامی بود. به همین منظور، او رابطین و ارتباطات گسترده‌ای را با افراد زیادی در سراسر دنیا برقرار کرد. اگرچه این مسئله تایید نشده است، اما احتمال دارد که گروه او، مسئول تلاش‌هایی برای بمب‌گذاری در جشن‌های هزاره‌ی امریکا-اردن است. با این حال، شبکه‌ی زرقاوی مسئول ترور لارنس فولی دیپلمات امریکایی در اردن در سال ۲۰۰۲ است.

پس از حملات امریکا و حامیانش به افغانستان، زرقاوی به عراق رفت. جایی که او برای مجروحیت پایش، مورد جراحی قرار گرفت. به نظر می‌رسد که در عراق با گروه انصار الشام، یک گروه تند روی اسلامی کرد در شمال غرب عراق ارتباطاتی برقرار نموده است. انصار ارتباطات نزدیکی با استخبارات عراق داشت. صدام حسین از این گروه برای برخورد با کرد های سکولاری که به دنبال جدایی کردستان بودند استفاده می‌کرد. البته در ژانویه‌ی ۲۰۰۳، فرماندهی انصار، مولا کرکار، هرگونه ارتباط با دولت صدام را رد کرد.

البته نظرات فرماندهان استخبارات، نشان می‌دهد که هیچ ارتباطی بین صدام و زرقاوی وجود نداشته است و صدام گروه انصار الشام را یک تهدید برای رژیم می‌دیده است و مسئولین امنیتی، در حال جاسوسی روی این گروه بوده اند. در گزارشی از اطلاعات پس از جنگ در خصوص عراق که در سنا ارائه شد، جمع بندی به این صورت بود که اطلاعات نشان می‌دهد که صدام حسین تلاش ناموفقی داشته است برای شناسایی و دستگیری زرقاوی و اینکه رژیم صدام هیچ کمکی به زرقاوی نکرده و حتی از اقداماتش چشم پوشی هم نکرده است.

پس از حملات سال ۲۰۰۳ امریکا به عراق، گروه التوحید، به گسترش نفرات خود پرداخت تا در مقابل تسخیر عراق توسط امریکایی ها و همراهان عراقیشان جلوگیری کنند. گروه در این زمان شامل برخی از بازمانده‌های انصار الشام و نفرات در حال افزایش خارجی بود. بسیاری از رزمندگان خارجی که به عراق می‌رفتند، بدون اینکه هیچ ارتباطی با گروه داشته باشند، اما وقتی به کشور وارد میشدند، وابسته‌ی به عناصر زرقاوی در محل میشدند. در می ۲۰۰۴، التوحید با گروه "سلفیه المجاهدین"، یک گروه تند روی اسلام گرا ادغام شد.

## اهداف و تاکتیک ها:

اهداف اعلام شده توسط التوحید از این قرار بود:

1. نیروهای ائتلاف را مجبور به عقب نشینی از عراق بکنند
2. دولت موقت عراق را برکنار کنند
3. همکاری با عوامل رژیم
4. از بین بردن جمعیت شیعه و شکست دادن گروه های نظامی اش به دلیل جوخه های ترور قوی اش
5. دستیابی به یک کشور کاملاً اسلامی

بر خلاف گروه های قبلی عراقی، التوحید علاوه بر استفاده از تسلیحات معمولی و جنگ چریکی، از تاکتیک های جدیدی بر علیه نیروهای ائتلاف استفاده میکرد. آنها به شدت روی بمب گذاری انتحاری و مشخصاً خودروی انتحاری وابسته بودند. هدف آنها گروه های بسیار زیادی بود مخصوصاً نیروهای امنیتی عراق و انهایی که با نیروهای ائتلاف همکاری میکردند. افرادی که هدف التوحید شده اند، شامل مسئولان داخلی عراق، سیاسیون و مذهبیون شیعه و کرد، شهروندان معمولی شیعه ی کشور، نیروهای قراردادی خارجی و نیروهای سازمان ملل و مدافعان حقوق بشر بودند. همچنین نیروهای زرقاوی تاکتیک های دیگری مثل ربایش های هدف دار، بمب های کنار جاده ای و حملات خمپاره ای نیز به صورت گسترده استفاده میکردند. با آغاز ژون ۲۰۰۴، التوحید جنگ چریکی شهری را با استفاده از اربی جی و سلاح های سبک دیگر مورد استفاده قرار دادند. آنها همچنین معروفیتی جهانی برای بریدن سر گروگان های خارجی و پخش کرد این دست عملیات ها در اینترنت به دست آوردند.

## فعالیت ها

التوحید مسئولیت عملیات های بسیاری بر علیه نیروهای امنیتی عراق را به عهده گرفته است. شامل حملات اکتبر 2004 که با اجرای عملیات کمین، حدود 49 نفر از عوامل امنیتی عراق را کشتند. و همچنین حملاتی بر علیه سازمان های کمک های انسان دوسانه مانند صلیب سرخ. آنها عملیات های متعددی بر علیه نیروهای ارتش عراق در طول سال 2004 به اجرا در آوردند و عملیات های انتحاری در داخل منطقه ای امن گرین زون (منطقه ای سبز امنیتی در بغداد) به اجرا در آوردند. عوامل زرقاوی در ترور سیاستمداران مهم بعد از صدام را نیز به اجرا در آوردند. همچنین عملیات بمب گذاری در مرکز عملیات های عراق که باعث شد این کشورها مرکز فرماندهی را از عراق به اردن منتقل نمایند.

گروه همچنین برای عملیات های ابتدایی شبه نظامیان عراقی نیز مسئول دانسته شده است. شامل بمب گذاری های بسیار قدرتمندی در اگوست 2003 که حدود 17 نفر از مسئولین سفارت اردن در عراق کشته شدند، و

حداقل ۸۶ نفر دیگر منجمله ایتاله سید محمد باقر الحکیم در بمب‌گذاری مسجد امام علی(ع) در نجف. همچنین بمب‌گذاری کامیونی در نوامبر همان سال که ۲۷ نفر را کشت که بیشتر آنها نیروهای ایتالیایی حاضر در مقر ایتالیا در نصیریه بودند.

حملات مرتبط به این گروه در سال ۲۰۰۴، شامل عملیات‌هایی در عراق و کربلاست که حدود ۱۷۸ نفر را در روز عاشورا در ماه مارس به شهادت رساند. عملیات شکست‌خورده‌ی منفجر کردن بمب‌های شیمیایی در اردن که گفته می‌شود توسط شبکه‌ی زرقاوی تامین اعتبار شده بود، تعدادی قایق انتحاری که چاه‌های نفت در خلیج فارس را مورد هدف قرار داد و البته زرقاوی در ویدیویی در سایت مونتادا النصر مسئولیت آن را به عهده گرفت؛ بمب‌گذاری خودرو و ترور رئیس شورای مدیریت عراق عزالدین سلیمی در ورودی منطقه سبز بغداد، بمب‌گذاری انتحاری در ماه ژون در بغداد که ۳۵ شهردار را به شهادت رساند و در ماه سپتامبر که یک خودروی بمب‌گذاری شده، ۴۷ افسر پلیس در خیابان حیفا بغداد را شهادت رسانید نیز از دیگر عملیات‌های گروه بود.

## به عنوان تنظیم قانداات الجهاد فی البلاد الراضین

### اهداف و سازمان های زیر مجموعه

در نامه‌ای به ایمن الظواهری، در ژولای ۲۰۰۵، زرقاوی یک طرح ۴ مرحله‌ای برای گسترش جنگ عراق، که شامل اخراج نیروهای امریکایی از عراق، دستیابی به حکومت خلیفه‌ی اسلامی و گسترش آن به مناطق سکولار عراق و درگیری در جنگ اعراب و اسرائیل بود، ارائه داد. گروه‌های وابسته که در مناطق مختلف عراق عملیات انجام دادند، به این طرح پایبند بودند. یک مثال بمب‌گذاری شام‌الشیخ در مصر در سال ۲۰۰۵ است که ۸۸ نفر در آن کشته شدند که بیشتر آنها توریست‌های خارجی بودند.

در سال ۲۰۰۶، القانده‌ی عراق یک گروه همکار با سایر گروه‌ها (سازمان‌های چتری) به نام مجلس شورای مجاهدین با هدف هماهنگ کردن مبارزین سنی عراق به راه انداختن جذب نیرو از میان ملی‌گرایان و سکولارهای عراق، در سایه‌ی تاکتیک‌های خشن گروه بر علیه مردم و دکتربین به شدت متحجر اسلامی‌اش چندان موفق نبود.

تا اواسط اکتبر ۲۰۰۶، القانده از شورا برای تصمیم‌گیری‌های حملاتش استفاده می‌کرد. اما در این تاریخ ابو عیوب المصری یک گروه تازه ایجاد شده به نام دولت اسلامی در عراق را معرفی کرد. این گروه که اعضای شورا را نیز شامل میشد جبهه‌ی جدیدی از عملیات‌های گروه در عراق بود و القانده عملیات‌های خود را بر اساس طرح‌های دولت اسلامی عراق طرح‌ریزی می‌کرد. بر اساس مطالعاتی که توسط سازمان‌های اطلاعاتی امریکا صورت گرفته است، هدف دولت اسلامی عراق به دست گرفتن قدرت در عراق و تبدیل آن به یک کشور اسلامی سنی مذهب بود.



## به عنوان دولت اسلامی در عراق

### نفرات و فعالیت ها

تعداد نفرات گروه در آن زمان چندان مشخص نبود. بین ۸۵۰ تا چند هزار نفر نیروی جنگ جوی تمام وقت را میتوان در سال ۲۰۰۷ حدس زد. در سال ۲۰۰۶، دایره‌ی اطلاعات و تحقیق امریکا اعلام کرد که هسته‌ی اصلی القائده بیش از ۱۰۰۰ نفر نیرو دارد که این امار و ارقام، شش گروه سلفی دیگر در زیرمجموعه‌ی دولت اسلامی را محاسبه نکرده است. گفته میشود که احتمالاً گروه به دلیل عملیات های شهادت طلبانه اش دچار ضعف و کمبود نیرو شده باشد، اما پس از مدت کوتاهی، معلوم شد که نه توانایی ها و نه تعداد نفرات گروه دستخوش تغییر و ضعف چندانی نشده است. همچنین گفته میشود که با خروج نیروهای امریکایی از عراق در سال ۲۰۱۱، به دلیل افزایش داوطلبان عضویت در گروه تعداد نفرات از ۱۰۰۰ نفر به بیش از ۲۵۰۰ نفر رسید.

بازرسان و شاهدان عینی، در سال ۲۰۰۷ اعلام کردند که خطر القائده در عراق مورد اغراق قرار گرفته است و باعث پیچیده تر شدن عملیات در میدان عملیات میشود. در ژولای ۲۰۰۷ و در گزارش سازمان امنیت ملی و همچنین سازمان اطلاعات دفاعی، القائده مسئول ۱۵ درصد از عملیات های تروریستی در عراق شناخته شده بود. به هر صورت، سرویس تحقیق کنگره در سپتامبر ۲۰۰۷ اعلام کرد که عملیات های اجرا شده توسط القائده کمتر از ۲٪ خشونت در عراق را شامل میشود. در مارس ۲۰۰۷، امریکا، رادیو آزادی اروپا (برنامه‌ای برای اعلام اخبار و امار از کشورهای که اعلام این دست اخبار را ممنوع کرده یا شفاف بیان نمی کنند) را به اجرا در آورد که در نتیجه‌ی بررسی گزارش همان ماه، معلوم شد که گروه از ۴۳۹ عملیات بر علیه نیروهای عراقی و شبه نظامیان شیعه، ۴۳ تای آنها را به عهده داشته و تعداد ۱۷ حمله از مجموع ۳۵۷ حمله به نیروهای امریکایی را به عهده داشته است.

بر اساس گزارش ۲۰۰۶ دولت امریکا، این گروه به وضوح با سلول های جهادی فعال در عراق در ارتباط بود و نیروهای بین المللی و عراقی و شهروندان عراقی را هدف قرار داده است. بیشتر نیروهای القائده عراقی نبودند، ولی به راحتی از طریق خانه های تیمی امن که بیشتر آنها در مرز سوریه قرار داشت، وارد میشدند. عملیات های القائده بیشتر در عراق صورت میگرفت ولی بر اساس وزارت کشور ایالات متحده، گروه شبکه‌ی لجستیکی قدرتمندی در منطقه‌ی خاوره میانه، شمال افریقا، ایران و جنوب آسیا و اروپا ایجاد کرده بود. در سال ۲۰۰۸ در گزارشی ویژه از سی ان ان، القائده در عراق را تشکیلاتی منسجم خواند، تشکیلاتی که از نظر اداری، به خوبی حزب بعث صدام حسین بود و ویدیوهای اعدام دیگران توسط گروه بعد از قطع انتشارشان جمع اوری کرد و اعلام کرد که یک شبکه‌ی جاسوسی قدرتمند حتی در پایگاه های امریکایی دارند. در این گزارش اعلام شد که بسیاری از آنها، مامورین سازمان مخفی صدام حسین بوده اند که حالا رسماً القائده در عراق را مدیریت میکنند و

با مبارزان خارجی، به نظر میرسد که از آنها به عنوان گوشت دم توپ استفاده میکند اگرچه همچنان فرماندهی گروه به دست غیر عراقی ها است.

## ظهور و افول القائده در عراق

گروه رسماً اعلام همکاری با شبکه‌ی القائده‌ی اسامه بن‌لادن را در اکتبر ۲۰۰۴ و در نامه‌ای اعلام کرد. در همان ماه، گروه که به القائده‌ی عراق معروف شده بود، شهروند ژاپنی شوسی کودا را ربود. در ماه نوامبر، شبکه‌ی زرقاوی هدف اصلی نیروهای امریکایی در عملیات الفجر (جنگ دوم فلوجه) بود اما رهبران گروه توانستند از چنگ امریکایی‌ها بگریزند. در دسامبر، در دوتا از بمب‌گذاری‌های قدرتمند گروه، القائده یک مراسم خاکسپاری در نجف و یک ایستگاه اتوبوس نزدیک به کربلا را مورد حمله قرار داد که حداقل ۶۰ کشته در شهرهای مقدس شیعه به جای گذاشت. همچنین گروه مسئولیت حمله‌ی ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۴ که ۴۱ نفر که عموماً کودکان بودند را نیز به عهده گرفت.

در سال ۲۰۰۵، القائده‌ی عراق روی اجرای عملیات‌های شدید انتحاری تمرکز کرد و مسئولیت عملیات زیادی را به عهده گرفت که هدف عموم آنها، رهبران عراقی بودند. گروه بر علیه رای‌دهندگان در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۵ در ژانویه را مورد حمله قرار داد، حملات هماهنگ بر زندان ابوغریب در اوریل، حملات انتحاری حساب شده بر علیه هتل‌های شرتون و هتل فلسطین در بغداد در ماه اکتبر نیز از جمله‌ی این حملات اند. در ژولای، ربایش و اعدام ایهب الشریف فرستاده‌ی سیاسی مصر، در ژولای حملات انتحاری به مدت سه روز که تنها در یکی از آنها، حمله به فروشگاه‌ی حدود ۱۵۰ کشته به جای گذاشت، از دیگر حملات گروه بودند. زرقاوی مسئولیت ده‌ها عملیات یک‌روزه‌ی بمب‌گذاری در بغداد را نیز به عهده گرفت که در یک مورد، یک خودروی بمب‌گذاری شده در ۱۴ سپتامبر ۱۶۰ کشته که اکثراً شیعیان بودند به جا گذاشت. همچنین مسئولیت مجموعه حملات بر علیه مساجد در خانقین را که حداقل ۷۴ کشته به جای گذاشت را نیز به عهده گرفتند.

حملاتی که القائده‌ی عراق مسئول آنها دانسته شد، در سال ۲۰۰۶ افزایش یافتند. در یکی از این اتفاقات، دو سرباز امریکایی دستگیر، شکنجه و نهایتاً اعدام (بریده شدن سر) شدند و در عملیاتی دیگر، چهار کارمند سفارت روسیه ربوده و سریعاً اعدام شدند. القائده‌ی عراق و سازمان‌های زیرمجموعه‌اش همچنین مسئول چندین عملیات که جمعیت شیعه‌ی کشور را هدف قرار میداد نیز شناخته شدند که در برخی از آنها، گروه مسئولیت آنها را به عهده گرفت. در طول سال ۲۰۰۶ چندین نفر از فرماندهان گروه شناسایی و کشته شدند که این شامل خود زرقاوی که در ۷ ژون سال ۲۰۰۶ کشته شد؛ مشاور اولش شیخ عبدالرحمان، معاون دوم فرمانده حمید جمعه فارس جوری السعیدی نیز میشود. رهبری گروه به نظر میرسد که به شخصی به نام حمزه المهاجر یا ابویوب المصری (اسم‌های جنگی) رسید.

عملیات های قدرتمند گروه در اوائل سال ۲۰۰۷، با اعلام مسئولیت عملیات های مختلف ادامه پیدا کرد که در یک مورد تلاش برای ترور معاون وزیر عراق سلام الزوبانی بود، و همچنین بمبگذاری پارلمان در اوریل، و دستگیری و اعدام سه افسر امریکایی در ماه می، همچنین در همین ماه (می) البغدادی رهبر گروه خبر کشته شدنش اعلام شد که مرگش توسط گروه رد شد و البته بعدا امریکایی ها اعلام کردند که چنین شخصیتی وجود ندارد.

خبرهای مختلفی در خصوص عاقبت مصری وجود دارد. از مارس تا اگوست نیروهای ائتلاف عملیات بغوبه را به عنوان بخشی از مجموعه عملیات های موفق برای رهایی استاندار دالیا از دست نیروهای القائده به اجرا در آوردند. در طول سال ۲۰۰۷، اکثر حملات انتحاری بر علیه مردم عراق را دستگاه های امنیتی به القائده و گروه های مرتبط با آن نسبت میدادند حتی اگر خود گروه مسئولیت آنها را به عهده نمی گرفت که در یک مورد، شدید ترین حمله تروریستی تاریخ عراق است که در سال ۲۰۰۷ شهر یزیدیه استان موصل توسط سه بمب گذار انتحاری مورد حمله قرار گرفت و حدود ۸۰۰ نفر کشته شدند، از جمله این عملیات ها است.

در اواخر سال ۲۰۰۷، خشونت و حملات متعدد انتحاری گروه علیه شهروندان عراقی، محبوبیت و پشتیبانی گروه در بین مردم را پایین آورده بود که باعث ایزوله شدن گروه شد. در بارز ترین مورد، تعداد زیادی از مبارزین سابق گروه شروع به همکاری با نیروهای امریکایی نمودند. که باعث شد حملات متعددی بر علیه گروه صورت بگیرد که منجر به دستگیری یا هلاکت ده ها نفر از اعضای گروه شد. القائده جای پای خود را در عراق از دست داده بود و همچنین، اعلام شد که بودجهی گروه از ۵ میلیون به ۱۰۰ هزار دلار در آوریل ۲۰۰۸ رسیده بود.

### **عملیات های بیرون از عراق**

در ۳ دسامبر ۲۰۰۴، القائده در عراق سعی کرد تا گمرک مرزی اردن با عراق را منفجر کند اما موفق به انجام این کار نشد. القائده در عراق حضورش در بیرون از عراق را با به عهده گرفتن مسئولیت های متعددی افزایش داد، یکی از مرگبار ترین آنها، بمب گذاری انتحاری بود که حدود ۶۰ نفر در اردن را در نوامبر ۲۰۰۵ به هلاکت رساند. آنها مسئولیت شلیک راکت هایی که به سوی دو ناو امریکایی در اردن شلیک شده بود را نیز به عهده گرفتند که البته راکت ها به این ناو ها برخورد نکرد. همچنین هدف قرار دادن شهر الیات در اسرائیل و شلیک چندین راکت از خاک لبنان به اسرائیل را نیز به عهده گرفتند.

گروه با شبهه نظامی لبنانی-فلسطینی فتاح الشام که در درگیری های سال ۲۰۰۷ توسط نیروهای دولتی شکست خورده بود، توسط یکی از همزمان سابق زرقاوی که همراهش در عراق جنگیده بود، مرتبط شد. گروه همچنین احتمالا با گروهک توحید و جهاد در سوریه نیز مرتبط بوده باشد و همچنین ارتباطاتی با گروه های

شبه نظامی فلسطینی مانند توحید و جهاد در غزه نیز داشته است. نیروهای امریکایی معتقدند که القاعده در عراق عملیات هایی بر علیه نیروهای امنیتی سوریه نیز داشته است.

وزیر امور خارجه سابق عراق، هوشیار زبیری اعلام کرد که نیروهای عراقی القاعده عراق به سوریه رفته اند. جایی که آنها پشتیبانی و اسلحه دریافت میکنند و گروهک النصره، گروهی بر اساس ایده‌ی القاعده، مسئولیت عملیات هایی در سوریه را به عهده گرفته است.

## درگیری با گروه های دیگر

اولین خبرها در خصوص جدایی و حتی درگیری مسلحانه بین مردم و گروه‌های تروریستی، به سال ۲۰۰۹ برمی‌گردد. در تابستان ۲۰۰۶، قبایل شورشی سنی، شامل گروه اسلامی ناسیونالیستی "ارتش اسلامی در عراق"، از تاکتیک های القاعده اعلام نارضایتی کردند، و اعلام کردند که مبارزین خارجی، حامدانه شهروندان عراقی را هدف قرار میدهند. در سپتامبر سال ۲۰۰۶، حدود ۳۰ قبیله‌ی استان انبار، گروه مربوط به خود به نام شورای رهایی انبار را راه‌اندازی کردند که هدفش مستقیماً درگیری و مقابله با عناصر القاعده در استان بود و در کنار دولت و نیروهای امریکایی قرار گرفت.

در آغاز سال ۲۰۰۷، قبایل سنی و ملی‌گرایان مسلح، جنگیدن با دوستان سابق خود در القاعده در عراق را برای به دست گرفتن مجدد کنترل مجامع خود را آغاز کردند. در اوائل ۲۰۰۷، نیروهای دوست با القاعده در عراق، مرتکب تعدادی عملیات بر علیه گروه های سنی شدند، شامل حمله‌ی فوریه ۲۰۰۷ که تعدادی از مردم در اثر انفجار کامیون بمب‌گذاری شده در مسجد فلوجه جان خود را از دست دادند. القاعده نقش موثری در ترور رهبر یکی از گروه‌های استان الانبار به نام گردان انقلاب ۱۹۲۰، بازوی نظامی گروه مقاومت اسلامی، داشت. در آوریل ۲۰۰۷، رهبران این گروه ها اعلام کردند که دولت اسلامی در عراق حداقل ۳۰ نفر از اعضای ارتش اسلامی و تعدادی از نفرات جماعت انصار السنه و ارتش مجاهدین را به هلاکت رسانیده است و از بن‌لادن خواست که خودش شخصا کنترل گروه القاعده در عراق را بدست بگیرد. ماه آینده رهبر القاعده در عراق المصری توسط هواپیماهای امریکایی کشته شده است. چهار روز بعد فایل صوتی منتشر شد که در آن، شخصی که خود را المصری معرفی کرد، از سنی ها خواست که در جنگ سیاسی جهت گیری نکنند. در ماه می، ارتش امریکا برخی از افرادی را که توسط القاعده در عراق دستگیر و شکنجه شده بودند را آزاد کرد ولی اعلام کرد که خبرهای مربوط به درگیری این گروه ها با هم حقیقت ندارد.

در ژون ۲۰۰۷، درگیری بین اعضای خارجی القاعده در عراق و گروه های نشنالیست در عراق، به درگیری های شدید مسلحانه در بغداد منجر شد. ارتش اسلامی به سرعت به یک قرارداد آتش بس با القاعده در عراق رسید ولی

از امضای قرارداد صلح با دولت اسلامی در عراق خودداری کرد. خبرهایی بود که نیروهای گروه حماس در عراق، در کمک به نیروهای امریکایی در عملیات های استان دیالا بر علیه القائده در عراق در اگوست سال ۲۰۰۷ کمک کرده اند. در سپتامبر ۲۰۰۷، القائده در عراق مسئولیت ترور سه نفر شامل شیخ عبدالستار ابو ریشا رئیس گروه شورای بیداری انبار را به عهده گرفت. در همان ماه، یک حمله ی انتحاری در مسجدی در بغوبه، 28 نفر را کشت که برخی از آنها اعضای گروه حماس در عراق و گردان انقلاب ۱۹۲۰ بودند. در همین حال، ارتش امریکا بعد از گرفتن قول از برخی گروه های شورشی که بر علیه القائده در عراق بجنگند، آنها را مسلح کرد.

در دسامبر ۲۰۰۷، استعداد اعضای "جنبش بیداری" حدود ۶۵۰۰۰ تا ۸۰۰۰۰ نفر مبارز بود. بسیاری از آنها، مبارزین سابق شامل طرفداران القائده در عراق بودند که حالا توسط امریکا مسلح میشدند و حقوق دریافت میکردند تا مشخصا با القائده در عراق مبارزه کنند.

## به عنوان دولت اسلامی عراق و شام(داعش)

### ایجاد و درگیری با النصره

در آوریل ۲۰۱۳، ابوبکر البغدادی یک بیانیه‌ی صوتی منتشر ساخت که در آن اعلام شد که جبهه‌ی النصره، راه اندازی، پشتیبانی مالی و پشتیبانی نظامی توسط گروه دولت اسلامی در عراق میشده است. البغدادی اعلام کرد که دو گروه رسماً تحت نام دولت اسلامی در عراق و شام با هم ادغام می‌شوند.

با این حال، رهبر گروه جبهه النصره، ابومحمد الجولانی، در بیانیه‌ای این ادغام را رد کرد و اعلام کرد که نه او و نه هیچ یک از فرماندهان جبهه‌النصره از این ادغام مطلع نیستند و با آنها صحبتی نشده است. در ژون ۲۰۱۳ الجزیره در گزارشی بر اساس نامه‌ای از سوی رهبر القائده ایمن ظواهری اعلام کرد که وی (ظواهری) ادغام دو گروه را در درخواستی به رهبران دو گروه رد کرده است و از آنها خواسته که به درگیری با یکدیگر پایان دهند. در همان ماه، ابوبکر البغدادی در یک پیام صوتی، دستور و خواسته‌ی ظواهری را رد کرد و اعلام کرد که ادغام پیگیری میشود.

بر اساس صحبت های سارا برایک خبرنگار، تفاوت های مشخصی بین جبهه النصره و داعش وجود دارد. در حالی که النصره به دنبال براندازی دولت اسد است، داعش به دنبال تثبیت قدرتش و اجرای قوانین خود در مناطق به دست آمده است. داعش برای تشکیل یک دولت اسلامی، بسیار بی‌رحم تر است، به سرعت قوانین شرعی را اجرا میکند، و در حالی که النصره تعداد زیادی نیروی خارجی دارد، باز به نظر یک گروه محلی برای بسیاری سوری ها به نظر میرسد در حالی که از نظر بسیاری از اواره های سوری، داعشی ها اشغالگران خارجی خوانده میشوند. حضور قدرتمندی در شمال و اواسط سوریه دارد و در بسیاری شهرها، قوانین شرعی اجرا کرده است. گروه چهار شهر مرزی اتمه، ال‌باب، ازاز و جرابلس را کنترل میکند که باعث میشود بتواند ورود و خروج به ترکیه را نیز کنترل بکند. سایر گروه ها بر علیه داعش شده اند چون داعش خود را یک حکومت میخواند که قوانین و دادگاه های خودش را دارد و خودش را یکی از گروه های دیگر نمی داند و به سایر گروه ها اجازه نمی‌دهد که از قاچاق اسلحه و مواد مخدر بین سوریه و ترکیه سود ببرند. برخی منابع معتقدند که گروه از حدود ۵۵۰۰ مبارز خارجی تشکیل شده که ستون فقرات گروه هستند و حدود ۲۰۰۰ نیروی سوری از شمال و حدود ۱۵۰۰۰ نفر دیگر که وظایف ثانویه را به اجرا در می‌آورند. همچنین یک گروه مخصوص شامل حدود ۲۵۰ مبارز نیز وجود دارد که اکثر آنها از مناطق شمالی درگیر با روسیه آمده اند و آنها را جیش مهاجرین و النصر میخوانند که رئیس آنها یک چچن به نام ابو عمر الشیشانی است.

### درگیری با سایر گروه ها

در سوریه در سال ۲۰۱۴، شورش‌های جبهه اسلامی و ارتش آزاد سوریه عملیات‌هایی بر علیه داعش در حلب به اجرا در آوردند.

### **گسترش به داخل عراق**

در طول درگیری‌های سال ۲۰۱۴ در استان الانبار، نیروهای داعش کنترل فلوجه و بخش‌هایی از رمادی را به دست آوردند.

# وقایع اتفاقیه



## اتفاقات ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶

گروه در سال ۲۰۰۳ به عنوان پاسخی به حمله‌ی امریکا برای اشغال عراق تشکیل شد، در ابتدا توسط یک شبه نظامی اردنی به نام ابو موصب زرقاوی مدیریت میشد. کسی که به گروه های القائده‌ی اسامه بن لادن در ۱۷ اکتبر ۲۰۰۴ اعلام وفاداری کرد. جنگجو های خارجی نقشی کلیدی را در این شبکه اجرا میکردند.

گروه تبدیل به هدف دولت عراق و حامیان خارجی اش شد و درگیری های بین دو طرف بین سالهای ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ موجب سالانه ۱۰۰۰ کشته شد.

دولت اسلامی عراق، عقایدش در خصوص هدف قرار دادن شهروندان معمولی را شفافانه اعلام کرد که قابل قبول است برای گروه و مسئول هزاران کشته از ۲۰۰۴ در عراق است. در سپتامبر سال ۲۰۰۴، فرماندهی گروه، زرقاوی به مسلمانان شیعه اعلام جنگ کرد و گروه از بمب گذاری ها(مشخصا بمب گذار های انتحاری در اماکن عمومی) برای قتل عام و ترور به عنوان راه های اصلی حمله بر علیه مناطق و محله های شیعه نشین یا شیعه- سنی نشین استفاده کرده است. به هر صورت، بمب گذار های انتحاری دولت اسلامی عراق، صدها شهروند سنی را نیز به قتل رساندند که باعث ایجاد نارضاتی و عصبانیت گسترده در بین بسیاری از اهل تسنن شد.

## اتفاقات ۲۰۰۷

بین اواخر ۲۰۰۶ و می ۲۰۰۷، دولت اسلامی عراق، محله‌ی دورا در جنوب بغداد را به کنترل خود در آورد. بسیاری از خانواد‌های مسیحی که نمیخواستند جزیه (مالیات از اهل کتاب برای حفظ امنیت آنها در مناطق اسلامی) پرداخت بکنند، محل را ترک کردند. تلاش‌های امریکا برای بیرون کردن دولت اسلامی که در ژون ۲۰۰۷ بسیار پررنگ شده بود، با وجود دیوار کشی خیابان‌ها و استفاده از تکنولوژی‌های شناسایی بیلوژیکی، تا نوامبر ۲۰۰۷ دولت اسلامی عراق از درا بیرون رفته بود و کلیساها میتوانست دوباره باز شود. تنها در ۲۰۰۷، دولت اسلامی عراق حدود ۲۰۰۰ شهروند معمولی را کشت، که ان سال را به خونبارترین سال گروه بر علیه شهروندان عراقی تبدیل کرد.

در ۹ مارس ۲۰۰۷، وزارت کشور عراق اعلام کرد که ابو عمر البغدادی در بغداد دستگیر شده است، اما بعدها معلوم شد که شخص دستگیر شده البغدادی نبوده است.

در ۱۹ آوریل ۲۰۰۷، سازمان اعلام کرد که اولین دولت اسلامی موقت پس از حمله‌ی به عراق را تشکیل داده است. اعلام شد که دولت توسط ابو عمر البغدادی اداره و کابینه‌ی او با ۱۰ زیر شروع به کار کرده است.

الغاب	نام عربی	سمت	توضیحات
ابو عمر البغدادی (مرگ در ۲۰۱۰) ابو اکبر البغدادی الحسینی القریشی. ابو دوا	أبو عمر البغدادی، أبو بکر البغدادی	امیر	ابو دوا که به اسم ابوبکر البغدادی نیز شناخته میشود، دومین رهبر گروه است
ابوعبدالله رحمان الفلاحی	أبو عبد الرحمن الفلاحی 'Abū 'Abd ar-Raḥmān al-Falāḥī	معاون اول	
ابو حمزه المهاجر ابو ایوب المصری (مرگ در ۲۰۱۰) الناصرالدین الله ابو سلیمان	أبو حمزة المهاجر	جنگ	هویت ابو مهاجر و المصری حدس زده شده. دولت اسلامی عراق فقط نام فامیل را اعلام کرد
ابو عثمان التمیمی	أبو عثمان التمیمی	امور دینی	
ابوبکر الجبوری محارب عبد الطیف الجبوری	أبو بکر الجبوری 'Abū Bakr al-Ġabūrī	ارتباطات مردمی (Public relation)	

		محراب عبد اللطيف الجبوري <i>Muḥārib 'Abd al-Laṭīf al-Ġabūrī</i>	
	امنیت	أبو عبد الجبار الجنابي	ابو ابدل الجبار الجنابي
	اطلاعات(منظور دانش و اطلاعات هستش )	أبو محمد المشهداني	ابو محمد المشهداني
	امور شهدا و زندانیان	أبو عبد القادر العيساوي	ابو عبد القادر العيساوي
		أبو أحمد الجنابي	ابو احمد الجنابي
	کشاورزی و شیلات	مصطفى الأعرجي	مصطفى الاعرجي
	بهداشت	أبو عبد الله الزيدي	ابو عبدالله الزيدي
در سپتامبر ۲۰۰۷ معرفی شد	آموزش	محمد خليل البديرة	محمد خليل البديريا

البته تمام اینها اسامی جنگی میباشد.

در ۳ می، منابع عراقی از کشته شدن ابو عمر البغدادی خبر دادند. هیچ مدرکی برای اثبات این ادعا ارائه نشد و نیروهای امریکایی به این مسئله مشکوک باقی ماندند. همان روز دولت اسلامی در عراق در بیانیه‌ای مرگ او را رد کرد.

در روزنامه‌ی چاپ دولت اسلامی عراق، گروه مسئولیت یک کمین در ال تقه در استان بابل را در تاریخ ۱۲ می به عهده گرفت که در آن یک سرباز عراقی و ۴ نیروی امریکایی از لشکر ۱۰ام زرهی کشته شدند و ۳ نفر نیز دستگیر شدند. یکی از آنها ۱۱ روز بعد مرده پیدا شد. دو نفر بعدی در یک ویدیوی دولت اسلامی اعلام شد که اعدام و خاک شده اند. بعد از یک شکار گسترده‌ی ۴۰۰۰ نفری از عوامل گروه توسط نیروهای امریکایی، هیچ مدرکی در این خصوص پیدا نشد و عملیات شکست خورد. یکسال بعد جنازه‌های آنها پیدا شد.

در بمب‌گذاری های ۲۵ ژون در جلسه‌ی دیدار روسای قبایل استان الانبار در هتل منصور بغداد، که ۱۳ نفر شامل ۶ شیخ سنی و چند شخصیت مهم دیگر را کشت، دولت اسلامی اعلام کرد که در پاسخ تجاوز پلیس عراق به یک زن سنی بوده است.

در ژولای، ابو عمر البغدادی یک فایل صوتی منتشر کرد که در آن به ایران یک فرصت دوماهه داده بود. او گفته بود “ ما به فارس ها و بخصوص به انهایی که در قدرت هستند، یک فرصت دو ماهه میدهیم تا هرگونه پشتیبانی خود از دولت شیعه‌ی عراق را قطع کنند و به دخالت های مستقیم و غیر مستقیم خود پایان دهند، در غیر این

صورت، یک جنگ بزرگ در انتظار شما خواهد بود." در ادامه او از دولت های عربی خواست که با ایران مبادله ی تجاری نداشته باشند.

## اتفاقات ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲

بمب گذاری های ۲۵ اکتبر ۲۰۰۹ در بغداد که حدود ۱۵۵ کشته و حداقل ۷۲۱ زخمی به جای گذاشت. حمله ی ۸ دسامبر ۲۰۰۹ در بغداد نیز ۱۲۷ کشته و حدود ۴۴۸ نفر نیز زخمی شدند. مسئولیت هر دوی این بمب گذاری ها توسط دولت اسلامی در عراق پذیرفته شد.

دولت اسلامی در عراق، مسئولیت حمله ی ۲۵ ژانویه ی ۲۰۱۰ که ۴۱ کشته بر جای گذاشت را نیز به عهده گرفت. همچنین مسئولیت حملات ۴ آوریل ۲۰۱۰ که ۴۲ کشته و ۲۲۴ زخمی به جای گذاشت و در ۱۷ ژون حمله به بانک مرکزی عراق که ۱۸ کشته و ۵۵ زخمی به جا گذاشت و حملات ۱۷ اگوست (بیش از ۷۰ کشته و ۱۷۰ زخمی) و اکتبر همان سال را نیز در یک سایت مربوط به این گروه به عهده گرفت. یورش و گروگان گیری کلیسای بغداد در سال ۲۰۱۰ با ۵۸ کشته و ۷۸ زخمی در ۳۱ اکتبر نیز به عهده ی این گروه بوده است که گروه نیز مسئولیت ان را قبول کرده.

همچنین در ۲۳ ژولای سال ۲۰۱۲، حدود سی و دو حمله در سراسر عراق رخ داد که ۱۱۶ کشته و ۲۹۹ نفر زخمی به جا گذاشتند. که دولت اسلامی در عراق مسئولیت این حملات را نیز به عهده گرفت.

## اتفاقات سال ۲۰۱۳

فرماندهی ارتش ازاد سوریه، کمال حمامی با نام جنگی بصیر الجبلای در یک ایست و بازرسی در مناطق تحت کنترل دولت اسلامی متوقف شد و او به قتل رسید. جبلای در حال حرکت برای بازدید از گردان العزیز بن عبدالسلام بود که خودرویش متوقف شد و در درگیری بین دو گروه، او از ناحیه‌ی سینه مورد اثابت قرار گرفت.

در ۱۱ می ۲۰۱۳، دو خودروی بمب‌گذاری شده در شهر ریحانلی استان هاتای ترکیه منفجر شدند. حداقل ۵۱ کشته و ۱۴۰ زخمی نتایج این حمله بود. این حمله که مرگبارترین حمله در خاک ترکیه بوده است، توسط ترک‌ها به داعش یا استخبارات سوریه نسبت داده میشود.

در ژولای ۲۰۱۳، گروه یک عملیات فرار بزرگ از اعضای زندانیش در زندان ابوغریب در عراق اجرا کرد. گزارش شده که بیش از ۵۰۰ زندانی شامل فرماندهان سابق گروه فرار کرده اند. دولت اسلامی در یک بیانیه مسئولیت این عملیات را به عهده گرفت و اعلام کرد که در این عملیات ۱۲ خودروی بمب‌گذاری شده و چندین بمب‌گذار انتحاری و همچنین آتش خمپاره و راکت مورد استفاده قرار گرفته است.

در سپتامبر ۲۰۱۳ تعدادی از نیروهای گروه توسط اعضای گروه‌احرار الشام ربوده و توسط فرماندهی ان ابو عبیدا البینشی کشته شدند. ماجرای این درگیری از این قرار بود که گروه احرار الشام برای دفاع از مالزیایی‌های حاضر در آنجا وارد شده بودند زیرا نیروهای داعش آنها را با نیروهای امریکایی اشتباه گرفته بودند(به خاطر پرچم).

در سپتامبر ۲۰۱۳ گروه شهر ازاز را از ارتش ازاد گرفت. هدف آنها دزدیدن یک دکتر المانی در این شهر بود.

در نوامبر ۲۰۱۳ دیدبان حقوق بشر سوریه اعلام کرد که داعش قوی‌ترین گروه در شمال سوریه است و هرکسی که خلاف این را میگوید، دارد به شما دروغ می‌گوید.

در دسامبر ۲۰۱۳، خبرهایی از درگیری بین داعش و برخی از نیروهای گروه‌های دیگر مانند احرار الشام در شهر مسکنه در حلب منتشر شد.

## اتفاقات سال ۲۰۱۴

در ۳ ژانویه، داعش اعلام تشکیل دولت اسلامی در فلوجه را کرد.

در همان روز، ارتش مجاهدین، ارتش آزاد سوریه و جبهه اسلامی در استان های ادلب و حلب بر علیه مناطق تحت اشغال داعش حملاتی را آغاز کردند. سخنگوی مبارزین اعلام کرد که آنها به حدود ۸۰ درصد روستاهای در اختیار داعش در ادلب و حدود ۶۵ درصد از روستاهای در اختیار داعش در حلب حمله کرده‌اند.

در ۶ ژانویه، مبارزین سوریه توانستند داعش را از رقه بزرگ‌ترین شهر و مرکز ایالت رقه خارج کنند. البته چند هفته‌ی بعد داعش رقه را مجدداً پس گرفت.

در ۸ ژانویه، مبارزین سوری داعش را از شهر حلب نیز بیرون کردند که البته نیروهای کمکی داعش از دیرالزور برخی از مناطق شهر رقه را تسخیر کردند و در اواسط ژانویه، داعش تمام شهر رقه را پس گرفت اما مبارزین داعش را از روستاها و شهر حلب بیرون کردند.

در ۴ ژانویه، داعش مسئولیت حمله‌ی ۲ ژانویه را که چند کشته و چندین زخمی در جنوب بیروت در مرکز متعلق به حزب الله به عهده گرفت.

در ۲۵ ژانویه، داعش تشکیل بازوی لبنانی خود بر علیه حزب الله و حامیانش را اعلام کرد.

در ۲۹ ژانویه، یک جنگنده‌ی ترک نزدیک مرز سوریه به یک کاروان داعش حمله کرد که در نتیجه‌ی آن ۱۱ مبارز داعش به هلاکت رسیدند.

در ۳۰ ژانویه، داعش بر علیه گشت مرزی ترکیه عملیاتی اجرا کرد که در مقابل، با توپخانه‌ی ترکیه مواجه شد که کاروان داعش را از بین برد.

اواخر ژانویه، مبارزین سوری نفر دوم داعش حاجی بکر که مشاور عملیاتی القائده و افسر سابق ارتش صدام بود را ترور کردند.

در اواسط فوریه، النصره به سایر گروه‌های مبارز سوری بر علیه داعش پیوست و داعش را از دیرالزور بیرون کرد. در مارس، داعش کاملاً از ادلب عقب نشینی کرد.

در ۴ مارس، از شهر مرزی عزاز در مرز حلب-ترکیه و روستاهای اطراف عقب نشینی کرد.

در ۸ مارس، در مصاحبه‌ای با شبکه‌ی فرانس ۲۴، نوری مالکی نخست وزیر عراق داعش را تحت حمایت عربستان سعودی و قطر معرفی کرد.

در ۲۰ مارس، در شهر نقه‌دهی ترکیه، ۳ البانیایی عضو داعش هنگام دزدیدن یک کامیون به مردم شلیک کردند که در نتیجه‌ی آن یک افسر پلیس و یک افسر ژاندارمری کشته و ۵ نفر از مردم عادی زخمی شدند. پلیس پس از بازداشت این سه نفر، عملیات‌هایی در استانبول بر علیه داعش به اجرا در آورد که در یکی از این عملیات‌ها، دو اذربایجانی و چند پرچم داعش کشف شد.

در ۲۷ آوریل، هلیکوپترهای ارتش عراق یک کاروان شامل ۸ خودروی داعش را در خاک سوریه بمباران کردند. این اولین باری بود که نیروهای عراقی پساز جنگ خلیج فارس از مرزهای خود خارج میشدند.

در ۵ ژون، به شهر سامرا حمله کردند

در ۶ ژون، چندین حمله بر علیه موصل در عراق اجرا کردند.

در ۷ ژانویه، داعش دانشگاه انبار در شهر رمادی را با ۱۳۰۰ دانشجو به عنوان گروگان در اختیار گرفت.

در ۹ ژون، موصل در به دست داعش افتاد. شبه نظامی‌ها کنترل مراکز حساس دولتی را به دست گرفتند. بیش از ۵۰۰ هزار نفر از دست داعش از موصل فرار کردند.

در ۱۱ زون، داعش کنسولگری ترکیه در شهر موصل را مورد حمله قرار داد و رئیس گروه دیپلماتیک و چند کارمند دیگر را در شهر تکریت ربود.

در ۱۳ ژون، ناوی پیلی، مشاور حقوق بشر سازمان ملل، گفت که داعش به فعالانه در حال شناسایی و در برخی موارد قتل سربازان، پلیس و سایرین شامل شهروندان معمولی که به نظر داعش با دولت همکاری میکنند بوده است.

در ۱۵ ژون، داعش شهر تل‌افار در شمال نینوا را تصرف کرد.



روابط با سایر

گروه ها

## روابط با جبهه النصره

در میانه‌ی درگیری‌های بین جولانی و بغدادی بر سر رهبری گروه‌ها، این سوال به ذهن می‌رسد که رابطه‌ی عوامل دو نیرو در میدان جنگ به چه شکل بوده است؟ تصور معمول این است که بیشتر نیروهای داعش را مبارزین خارجی و بیشتر نیروهای جبهه‌النصره را مبارزین محلی سوری تشکیل می‌دهند. این تصورات، بر اساس اخباری شکل گرفته است که بر اساس آنها، حدود 80 درصد از مبارزین خارجی در سوریه، به داعش پیوسته‌اند. با اینحال، به نظر می‌رسد که این اخبار چندان صحیح نیست و کشته‌های داعش، بیشتر نشان می‌دهد که اکثر افراد خارجی عضو داعش، افرادی با تجربه‌ی بالای جنگی هستند که از سراسر دنیا به سوریه آمده‌اند و فرماندهی عملیات‌ها و گروه‌های مختلف داعش را به عهده گرفته‌اند و بر همین اساس، عموم نیروهای مبارز عادی را مردم محلی سوریه تشکیل می‌دهند. در شهر رقه، یک فعال ضد داعش اعلام کرده که تنها چیزی در حدود 30 درصد از مبارزین داعش در این استان خارجی هستند. همچنین خبرنگاری که از محل‌های تحت نظر داعش در شما حلب در مرز ترکیه دیدن کرده بود، اعلام کرد که بیشتر مبارزین داعش، نیروهای محلی‌اند.

بنابراین، صحبت‌های در خصوص بومی بودن نیروهای جبهه‌النصره و خارجی بودن نیروهای داعش، چندان صحیح نیست. روابط دو گروه در استان‌های مختلف، متفاوت است. این مطلب مجالی برای توضیح ریز و دقیق در خصوص روابط دو گروه نیست، اما به صورت خلاصه در حلب و شهر دیر الزور، عناصر دو گروه کاملاً از هم جدا هستند. در درعا، فقط جبهه‌النصره حضور مشخص دارد. در رقه و مناطق شرقی دیرالزور، مرزبندی‌های بین دو گروه تاریک و غیر قابل تشخیص است و پرچم‌ها و علائم زیاد دست به دست میشوند.

دو گروه، در خصوص مسائل مختلف، عملیات‌های بزرگ و یکسانی را به موازات هم و گاهی با همکاری هم به اجرا در آورده‌اند. در این خصوص، پس از اعلام حملات شیمیایی ارتش بشار اسد به مردم (این مقاله، در خصوص صحت یا دروغین بودن این مسئله صحبتی ندارد)، در عملیات‌های مختلفی در غوطه شرقی به راکت پراکنی پرداختند. عملیات جبهه‌النصره در بیانیه‌ای توسط جولانی، چشم در مقابل چشم نام گرفت و نه تنها در دمشق، که در سراسر کشور به اجرا گذاشته شد. عملیات داعش اانشقشان انتقام نام گرفت و طی آن، با خمپاره و کاتیوشا حملاتی بر علیه سفارت روسیه، برخی محلات دمشق و هتل چهار فصل دمشق که بازرسان سازمان ملل در آن حضور داشتند اجرا کرد.

یکی دیگر از معروف‌ترین همکاری‌های دو گروه، عملیات در منطقه‌ی سیده زینب(س) است که دو گروه، با همکاری هم بر علیه لواءالفضل الاعباس که یک گروه تحت حمایت ایران ولی عراقی است بود. برای مثال، در

۱۷ اگوست ۲۰۱۳، یک سخنگوی محلی داعش در دمشق، خبر از عملیات مشترک داعش و جبهه‌النصره و لوا الشام در محله‌ی سیده زینب داد که ادعا میکرد در این عملیات، 250 مبارز شیعه را به شهادت رسانده است.

در ۳۰م همان ماه، سخنگوی محلی داعش ویدیویی از عملیات انتحاری مشترک داعش و النصره پخش کرد که یک خودروی بمب‌گذاری شده بر علیه محله‌ی سیده زینب عملیات میکند. نهایتاً، ممکن است که بتوان همکاری و عملیات مشترک دو گروه بر علیه شیعیان را در برخی مناطق قبول کرد، اما در خصوص سایر عملیات‌های مشترک مخصوصاً بر علیه ارتش عربی بشار اسد، ظاهراً اغراق‌های زیادی نیز صورت گرفته است.

محل دیگر از همکاری‌های دو گروه، قلمون است. جایی که به نظر میرسد دو گروه با همکاری "گردان سبز" که یک گروه بی‌طرف است و توسط مهاجرین سعودی با تفکراتی نزدیک به داعش تشکیل شده است، عملیات‌هایی را به اجرا گذاشته اند. این مدل همکاری، در حمس جایی که دو گروه با همکاری جماعت جند الشام، که متشکل از نیروهای مهاجر لبنانی است با تفکراتی نزدیک به داعش ولی مستقل نیز دیده شده است.

اولین مراتب همکاری دو گروه، از سوی گردان‌های بسیار خطرناک و خشن جیش المهاجرین و الانصار ایجاد شد. گروهی که به فرماندهی ابو عمر الشیشانی در خط مقدم داعش در حلب، شمال ادلب، رقه و لاذقیه است. و منجر به ایجاد توانایی همکاری دو گروه بر خلاف دشمنی‌ها و ناراحتی‌ها از صحبت‌های ابوبکر البغدادی در اوریل بر علیه گروه‌های شیعه در سوریه شده است.

## روابط با ارتش ازاد سوریه

برای بررسی روابط دو گروه داعش و ارتش ازاد سوریه، نیاز است که رفتار گردان های تحت امر آنها را در شهرها و استان های مختلف مخصوصا رقه و حلب را مورد بررسی قرار داد. درگیری های بین دو گروه، با گردان های تحت فرمان ارتش ازاد مانند گردان های جاذر در جرابلس شروع شد که در اواسط ژون ۲۰۱۳ داعش قدرت را از آنها گرفت و البته گروه های ارتش ازاد در الدانا.

در رقه، در اگوست ۲۰۱۳ داعش با گروهی از گردان های ارتش ازاد به نام احفاظ الرسول (نوادگان پیامبر) درگیر شد. همچنین حضور داعش در شهرهایی مانند الدانا، منبج و ازاز تظاهرات ها و اعتراض های مردمی را نیز به دنبال داشت.

اصل درگیری ها، از انجایی شروع شد که احفاظ الرسول تلاش کرد تا با سو استفاده از تظاهرات و تحصن های مردم، بر علیه هر دو گروه داعش و احرارالشام عمل کرده و برخی از عوامل آنها را بازداشت نمود. طرفداران احفاظ الرسول، به طرفدارانش ویدیوهایی از کشتار تظاهرات کنندگان توسط داعش نشان داد و آنها را بر علیه داعش تحریک کرد.

درگیری های بین دو گروه با پخش اعترافات یکی از افسران بازداشت شده ی احفاظ الرسول که اعتراف میکرد که آنها از فرانسه کمک مالی دریافت میدارند، ادامه پیدا کرد. داعش سپس نیروهای این گروه را احفاظ الفرانسه (نوادگان فرانسه) نامید. همچنین گروه را محکوم کرد که تلاش داشته جریانی به نام بیداری (که در سال ۲۰۰۷ و در عراق بر علیه دولت اسلامی در عراق در مناطق سنی نشین تشکیل شد) را ایجاد نماید. سایر طرفداران داعش در شهرهای دیگر مانند رقه نیز سعی کردند که ارتش ازاد را به همین نام بخوانند. گفتنی است که نه احفاظ الرسول و نه ارتش ازاد، هرگز خود را به عنوان عضوی از جریان بیداری معرفی نکردند.

در ۱۴ اگوست ۲۰۱۳، داعش یکی از فرماندهان ارشد احفاظ الرسول در رقه را به قتل رساند و این گروه را از مرکز فرماندهیش در رقه بیرون کرد. و البته، احفاظ الرسول به جنگ علیه داعش در مناطق دیگر استان ادامه داد و در چند مورد، به ایست و بازرسی های داعش در شهر طبقه حمله کرد.

یکی از فرماندهان احفاظ الرسول، در مصاحبه ای با تحلیل گر سوئدی، اعلام کرد که درگیری های دو گروه به رقه محدود است و دو گروه در مناطق دیگر با یکدیگر همکاری می نمایند. یکی از بهترین مثال های این همکاری ها، عملیات شکست خورده ی آنها در لاذقیه است. جایی که البته به نظر میرسد که گروه کنار کشید تا داعش کثیف کاری های از بین بردن دشمن مشترک را انجام دهد.

در سایر مناطق حلب و رقه، داعش سعی کرده که روابط دوستانه ای با ارتش ازاد داشته باشد. مهم ترین آن، شورای ارتش ازاد در حلب است که فرماندهی آن اعلام کرد که داعش به آنها در تصرف پایگاه هوایی منقه کمک کرده و نقش بسزایی داشته است. جایی که جیش مهاجرین و الانصار به فرماندهی ابو عمر شیشانی به کمک ارتش ازاد آمد و نقش موثری در تصرف پایگاه ایفا کرد.

گردان معروف و مهم دیگر ارتش ازاد که داعش با آن همکاری هایی دارد، لواء التوحید است که تفکراتی نزدیک به اخوان المسلمین دارد. هنگامی که اخباری منتشر شد که بر اساس آنها، داعش یکی از فرماندهان ارتش ازاد را به قتل رسانده است، لواء التوحید در بیانیه ای این خبر را رد کرد و اعلام کرد که این خبرها را کشورهای غربی برای به راه انداختن فتنه اعلام میکنند و حتی مسابقه ای می اندازی نیز بین نیروهای دو طرف در حلب نیز پخش شد.

## روابط با کرد ها

حتی قبل از اعلام رسمی جنگ بین دو گروه توسط داعش، بر کسی دشمنی و درگیری های بین داعش و نیروهای حفاظت(حمایت) مردمی (YPG) پوشیده نبود. برای نمونه میتوان به درگیری های یکی از گردان های مهاجرین به نام قربالاشام و جبه النصره در مقابل YPG در شمال راس العین در استان حسکه در نوامبر ۲۰۱۲ اشاره کرد. البته این درگیری ها معمولا در سطح کوچیک و در برخی روستاها و محله ها صورت میگرفت و گسترده نبود. اگر چه در فوریه ۲۰۱۳، با تلاش های یکی از فعالان مسیحی مخالف دولت بشار اسد، بین دو طرف صلح برقرار شد.

درگیری بین کردها با وجود این صلح باز هم به صورت مقطعی و در مناطق مختلفی از کردستان عراق و سوریه همچنان برقرار بوده است و البته مجددا نیروهای کرد در سوریه، مجبور به صلح شدند اما، به نظر میرسد که کردهای پیش مرگه در عراق، درگیری نمایشی و ظاهری با داعش به راه انداخته اند. در آخرین تحولات عراق، طی حمله ی داعش به کرکوک و نینوا، این دو شهر بدون هیچگونه مقاومتی تسلیم داعش شدند ولی داعش صرفا تجهیزات ارتش و پول های بانک ها را برداشت و به سوریه منتقل کرد و در نهایت، شهر به آرامی تحویل نیروهای پیش مرگه ی کرد شد که در نتیجه ی ان، کردها ممکن است در رفراندوم استقلال از عراق، این مناطق را نیز از عراق جدا کنند. هرچند همچنان درگیری بین کردها و داعش در این مناطق برقرار است و دو طرف زخمی و کشته هم در این درگیری ها داده اند.

## اقتصاد

داعش عموماً با جگیری را مورد استفاده قرار داده‌است. از راننده های کامیون های باربری گرفته تا صاحبان مشاغل کوچک و بزرگ، تا دزدی از بانک ها و طلافروشی ها. در طول درگیری های موصول، داعش به ثروتمند ترین گروه تروریستی دنیا تنها با سرقت 429 میلیون دلار از بانک مرکزی این استان تبدیل شد. همچنین احتمالاً مقادیر بسیار زیادی شمش طلا نیز دزدیده شده است. یک تحلیل گر منطقه‌ای در این خصوص نوشت که "این، کلی جهاد میخرد". برون موزز اضافه کرد که " برای مثال، با 429 میلیون دلار داعش میتواند 60 هزار مبارز را استخدام و به هر کدام ماهیانه 600 دلار حقوق پرداخت کند و این مبلغ برای یکسال اینکار کافی است."

شبکه‌ی فرانسوی فرانس ۲۴ در گزارشی اعلام کرد که " گروه از طرف دولت های عربی حاشیه خلیج فارس، کمک های مخفیانه ای دریافت میدارد " همچنین به نظر میرسد که در شرق سوریه نیز با فروش نفت و قاچاق مواد خام به بیرون از کشور نیز درآمد هایی کسب میکند.

## تجهیزات

داعش در حال حاضر تجهیزات امریکایی به دست آورده و از آنها استفاده میکند. در خودروها و لباس‌های مورد استفاده در عملیات‌ها دیده شده که نیروهای داعش از یونیفورم استاندارد امریکایی همراه با جلیقه‌ی ضد گلوله استفاده میکنند و در عملیات‌های شبانه، از دوربین‌های دید در شب AN/PVS-7 همراه با کلاه خود استفاده میکنند. تسلیحات آنها شامل M16، تیربارهای M60، تیربارهای M240، و آرپی‌جی میشود. برخی از خودروهای آنها نیز هاموی و امرپ‌ها و M113 APC و چند تانک T-55 را شامل میشود. همچنین در یکی از پایگاه‌های عراق، به توپ‌های Type 59-1، دوشکا و ZU-23-2 ضد هوایی دست پیدا کرده است.

همچنین هنگام تسخیر فرودگاه موصل، تعدادی بلک هاک UH-60 و هواپیمای باربری که در آنجا قرار داشتند در اختیار داعش قرار گرفت.

قبل از حمله‌ی به عراق و به دست گرفتن تجهیزات رها شده توسط نیروهای عراقی (نیروهای عراق در درگیری‌های ژون، لباس، تجهیزات و خودروهای زرهی خود را به جا گذاشته و فرار کردند)، داعش از وانت‌های تویوتا هایلوکس و تیربارهای دوشکا نصب شده روی آنها استفاده میکرد که به نظر اصلی‌ترین تجهیزات داعش نیز میباشند.